

۸
۱
۱
۸
۸
۳
۵
۶
۸
۷
۶
۱۰
۱۱
۱۱
۱۱
۳۱
۵۱
۵۱
۸۱
۷۱
۶۱
۸۱
۱۸
۸۸
۸۸

۱۲۸۸

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب ۱ - رساله مع البراءة

مؤلف: آقا میرزا محمد باقر

موضوع: اخلاق و انجمن - مکتب

جلد: ۱ (۱۵۰)

تاریخ: ۱۳۰۷

دارت کتاب

۴۵۵۳

۱۳۰۷

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی اهدائی

۱۵۰

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

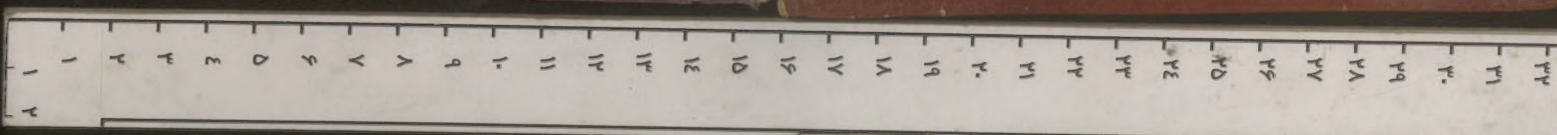
کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب ۱ - رسامع الامارات
 مؤلف: ۲ - افانز و الجرام - مخبر
 جلد: ۱۵۰ (۱ از کتب خطی) اهدائی
 آقای سید محمدصادق طباطبائی به کتابخانه مجلس شورای ملی

شماره ثبت کتاب
 ۴۸۵۲
 ۳۰۸۵۷

۱۲۸۸

خطی اهدائی
 کتابخانه
 مجلس شورای
 ملی
 ۱۵۰



۱۲۸۸

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب ۱ - رساله در بیان

مؤلف ۲ - آغا زورخان - جوایز

جلد ۱ (۱۵۰) از کتب (خطی) اهدائی

آقای سید محمد تقی طباطبائی به کتابخانه مجلس شورای ملی

شماره ثبت کتاب ۴۸۵۲

۳۸۵۷

خطی اهدائی

کتابخانه مجلس شورای ملی

اسنادی

۱۵۰

10. 22



10.

فتم

رحمة العارف

قدیم

ولاوت با سعادت فرزند و بلند سلطان حسین ابنه الله نبیاً و فتاوت قد الله خیر الدارین
دو روز شریفی بخشنید بنیم ساعت بعد الظهر یوزم شهر الله بحرام عار الله العیب رسال
فخ قال عار و سی از مخرجه خیر البشر و افضل الصلوات
اکمل التحیات و بعد و بار شسته و در آخر ماه
شرف شایخ و رفعت قدوس و عوالتی
نکال این ذکر با یک کلاه
عبارت در انتها

خوانند خواه مترسم بود بر سوم مقصود خواه نه چنانکه جنید رحمه الله علیه
 گفت تصوف ان تكون مع الله بلا علقه و دریم رحمه الله علیه گفت التصوف
 است بر مال النفس مع الحق علی بریه و ابو محمد جریری رحمه الله گفته است ^{ان تصوف} التصوف
 فی کل خلق سنی و خروج من کل خلق و فی جم جنید رحمه الله علیه که تصوف ان یکنه
 الحق عنک و یحیک به و شور و عود و در میان عموم مردم است که اسم
 بر کسی طلق کنند که مترسم بود بر موصوفان و مجلس بر خا ایشان اگر از اهل حقیق بود
 و اگر نبود و اهل خصوص از مقصوف اکثر تر همان را صوفی خوانند بلکه مقصوبه تصوف
 خوانند و سبب اختصاص اهل کمال بدین اسم است که اکثر ایشان از قدام و شایخ بجهت
 تعلل و تردد از دنیا و اقدار با نیاس صوف پوشیده اند و از برای تواضع و تسهیل نسبت
 خود بصفه لباس و سمت فرقه ظاهر کرده و یکدیگر را صوفی خوانند و این اسم در میان آن
 متعارف شده و شهرت یافته و در زبانها متداول گشته و سببی که بر تالیف این مختصر
 شدن بود که جماعتی از دوستان و برادران که در صنعت غریب قصیر الباء و حلیل
 المصاحم بودند و بر مطالعه سخن شایخ و صوفیان شغفه و رغبتی تمام مینمودند از تحریر
 این مواد و بن علی العاشقانی اصله الله شانه و افاض علیه خوانه بهر وقت
 انی من ترهب کتب عوارف المعارف از تصنیفات شیخ الاسلام شهاب الدین
 عمر بن محمد السهروردی رحمه الله علیه که در میان صوفی طریق تصوف شانه است
 و وقایع این فن در و بحر و جوی و قمار مری پرورفته میگرداند و این ضعیف و حقیر
 شیخ است که تاس ایشان را دیده و در این خاطر که فرایده العالی این کتاب را از قراته
 افاتش حاصل کرده و همان مثال است که در اینک هدايات انواع را از اجساد و پیر

و باطل کردن بهوی مینمود و مرا از اقدام بران منع می فرمود و مدتی درین حال
 اقدام و انجام متردد بودم تا روزی که این خاطر و اراده که درین فن قصیر با
 از سخن شایخ و صوفیان با فهای فیه از لطایف و قیو حات که از غیب در اشیا
 آن ساح شود تالیف کنم چنانکه اکثر اصول و فروع کتب عوارف المعارف را شامل
 و مختصا و ل بود و دیگر فواید و عواید در و مجموع و حاصل تمام مراد ایشان
 بحصول پیوند دوم اجتناب از تردد و در کرده بشم چون این خاطر و اراده
 دل بود و آن قرار گرفت و بعد از تقدیم استخارات در بحر بر این معاد شروع
 و انچه از نفوس احادیث و کلمات شایخ و طریقی آن روح کرده شد از برای ترک
 هم بلفظ منقول و سموع محرر گشت و بنا بر آن برده باب نهاده شد هر بابی
 برده فصل و چون این اقتباس از انوار کلمات شایخ که قبیل اند از شکوشت
 گرد آمده و مضمون آن بر قدر کفایت از علم ضرورت شتم است تمام آن
 الهدایت و مفتاح الکفایه نهاده امید بفضیل رحمة الهی جانت که طالبان
 را در استکشاف معالم طریقه و اقتباس انوار حقیقه و استقیام در طریقه عوارف
 ربانی و معارف حقانی مفید و گمانی بود و رسول از فضل غایت از برای جانت
 که نیت مولف را درین تالیف از شوایب نفس هوا و سمع و در باطنی و فطری
 که اند و صورت آن نیز استعزال رحمة الهی و فاضل و شایسته بود است
 ذکر و سماع و احوال و مقامات اهل سلایم و فلاح و در این وسیله بر قدر که
 دولت ایشان بستن و در زمره همان ایشان بگوشتی تحقیقا الله بجهت و زرقا
 بسیر تمام قدرت ابواب کتب و قبول فی علی الاممال ابوابان ده اند و فصول آن صد

ساده افکار که بر روی ایاام و امتداد زمان بسبب اعتقاد ظنون و ادوام و موجب تقلید عصبیه
عوام میگردد و صورت آن عقاید در ضمائر این کمال تشفی از این رایج و ثابت میشود تا غایتی
صافیه نماید و انواع و اقسام این بدان صورت بیان منتفی نیست که در کمال مجال فصاحت صورتی که
در آن حال نماید و هرگز از سن عقیده و صوبه مذهب خود مایل و خوف بیندیشی و مصلوات
نسبت کند و از ایشان طالیه که تمسک با دلبخواهی مذهب خویش برزخ خود نموده باشند
با خود تصور تحقیق و فرج از دایره تقلید کرده که بحقیقت نظر کنند چنان که خود در مرتبه تقلید ایم
و علمای مذهب خود بنیت که موجب حسن نظر و تصور اصحاب را بدان دلبخواهی از ایشان نظر کرده
باشند و ادوام و افهام این از آن برآمده و بر بنیاد یقین و دوزخ تحقیق شاد شده که
بالدیم فرخ و بسبب خلاف آراء اختلاف احواس که نفوس بشری بر آن حمل نموده و وجود تنازع
و تمناع مناصب طالب و نیوی که بیشتر دلباهت طلبان در حلول و این اختلاف در سبب احوال از
مقدم بنما و از سابق تالی سیده است و تدریج در میان فرق منتشر و متفرق کنند و بعد از
انقضای سیده و بطریق ذرات خلفاء سلف گرفته و ظلمات آن قرابعدون تراکم پذیرفته اند
بنیادی و سیمت رسیده و بسبب تغییر الحامیه بر هر یکی سابقه غایت ازلی تعلق کرده و در خصوص
که بنده را اعتقاد صحیح که است کند سخت اوارا از آثار و رسوم عادات و سیموعات برهانند
بقدره نفس فطرت و در رسانند و چون عوا و عناد اول او استماع کند تا قابل صورت اعتقاد صحیح
و مشاهده حق و عرف شود و در درگاه محبت رسول صلوات الله علیه بر کعبه آفتاب قبول
حق و پذیرفتن او را قبول حق و سیمت از ظلمه رسوم عادات و سیموعات که در قلوب از اول
طبیعت و شایسته حمل انداخته و دنیا و آخرت این افاضی نموده و در وی باقره آفریده و در
طالبان بوده و بنور ایمان از دروازه حق راه و صورت محبت کرده لایم عقاید است از از محبت

[illegible]

[illegible]

الحاوية على نسخة
التي هي على حالها
في دار الكتب

[illegible]

2

[illegible][illegible][illegible][illegible]

فكان في سلطان العلم والعقل وطريق ما من طريق في السبيل ان لا يكون
 الا ظهور سلطان النفس وذلك لا يكون الا خيرا ولا منطوقا من السالك والارادة فاشكل
 ذلك عليه بطريق في الوضوح فقال عليه السلام هذا السر لقلبه السر ان لا يكون في
 الكمال والاشراق وجود فادام ذلك السر ضيفا كما ساعد العقل ان يهتد والغلب
 ان يحيد فكل صاحب حجة في عالمها كما في غير محب واذا قوي وعقله في سلطانه
 على العقل والظهور نور العقل بنور كاشح بنور النور النور من نور النور النور
 في نفسه وكل حال في الجدية والميل في المحبة والتمسك من العقل والنسب
 في سر ذات حجة في السبيل ان لا يكون في مقام السكر وهو على حجة السبيل
 وقد يسكن بعض السالكين بما لا يكون غيره وقد يشر احد من غير السبيل
 اضعاف ما في غيره ولم يسكن في قوة استعداده وذلك حاله وسكر غيره في اضعاف
 كثير كما كان حال من سلك السبيل عند قوله ارى انظر اليك يا سيد المحصول
 عليه ولم عند قوله انظر اليك يا سيد المحصول وما طغى في الهم من غلبة السر حصول
 الحقيقة كما في الحد من سر المحرك كما بعد كاس فاعقد الشرب لا رويست
 فعلى علم قوة استعداد فاعل عليه السلام جذبا لاحدية اصفه التوحيد في الشهادة
 في غلبة السر في جذب نور الذات في الحقيقة الاحدية التي لا اعتبار بها فيها
 اصلا لصفه التوحيد المشرك في الاعتبارية في المحرك الواحدية التي هي منشأ
 الاسماء والصفات وذلك النور هو العين الكافورية الذي هو سر المحركين

ما في

خاصة فلا ينفى مع هذا الجذب والسر في الحقيقة في المقربين ولا في فلكا كان
 كمالا عارفا بامعالم الوحدة والصفات في الذات وان كان مقام الولاية ليس كمالا
 تاما الا ان صاحب الامور المبدئية والتكبير في علم من الجمع الى التفصيل ومن
 الوحدة الى الكثرة ولم يصل الى مقام الصغر بعد السكر ولم يحصل المقام الاستقامة
 المأمور به النبي عليه السلام في قوله تعالى فاستقم كما أمرت استوفج واسنن اذ اليل
 فقال عليه السلام نور سر في صرح الذات في لوح عليه كمال التوحيد انما ان
 النور الذي لا يحد الذي هي نورا الوجه المشترك في الذات لا لا في لوح على مقام
 صفات الحق وذاته التي هو عين الموجودات وسمها عليه السلام هي كمال التوحيد
 أي هو واسمها استيعا في مقام التوحيد في النور في الغيرة انما أي صفاته افعاله
 أي ظهور الذات في مقام الصفات وتنبؤ الوحدة في صور الكثرة وحسن الجمع
 في عين التفصيل ووجود التفاصيل في عين الجمع وعند ذلك غلب الكمال في سر
 وجد في المشوق في انما سكر فاستن اذ البيان فقال عليه السلام اطفئ السراج
 فقد طلع الصبح أي روح البياض العلمي وانما كمال الصلابة واطفئ نور العقل الذي
 هو النسبة الى نور الحق كالتسليم في التسمية في التسمية في التسمية في التسمية في التسمية
 انما في ايله التي هي النسبة اليه كسيرة نور الصبح انما في التسمية في التسمية في التسمية في التسمية
 وهذا التسمية في التسمية في التسمية في التسمية في التسمية في التسمية في التسمية في التسمية في التسمية
 في التسمية في التسمية في التسمية في التسمية في التسمية في التسمية في التسمية في التسمية في التسمية

